

مسجد جامع شاهرود

حمید ابوالفضل

● شرح بنا

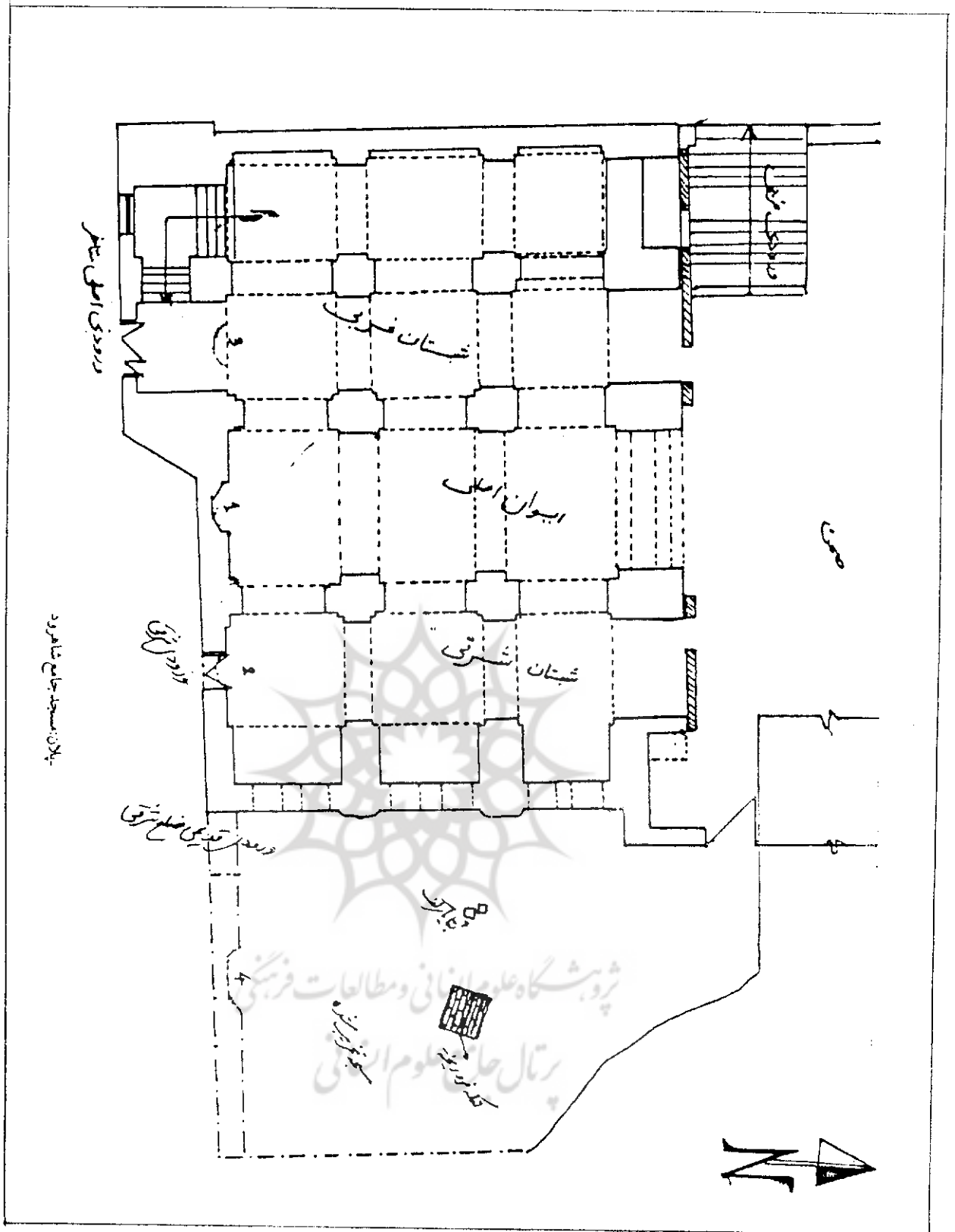
مسجد جامع فوق‌الذکر از بناهای تک‌ایوانی است و به علت تصرفات زیادی که دورانهای مختلف در آن صورت گرفته، تا حدودی از صورت اولیه خود فاصله پیدا کرده است. با اینکه در حال حاضر از منار مسجد اثری بر جای نمانده است اما ظواهر امر و اقوال عامه بر وجود منار دای در آن صحنه می‌گذارد. آنچه در مجموع از این مسجد باقی مانده است عبارتست از: ایوان بزرگی واقع در وسط بنا، با دهانه‌ای قریب به پنج متر و سه گنبد بر روی آن، که در انتهای آن محراب ساده‌ای به چشم می‌خورد. شبستان اصلی بنا از ادامه ایوان بزرگ شکل یافته است. افزون بر این، دو شبستان دیگر نیز در غرب و شرق مسجد وجود دارد. شبستان غربی از جنوب به ورودی اصلی فعلی، از شمال به حیاط مرکزی، از غرب به کوچه مسجد جامع، و از شرق به شبستان اصلی ختم می‌شود. شایان ذکر است، ورودی اصلی این بخش در گذشته از سمت شبستان شرقی بوده است. این شبستان در قسمت مرکزی دارای دو ستون است که شش دهانه گنبد آن را پوشانده است.

شبستان شرقی نیز در مرکز قرار گرفته اما فاقد ستون است. این شبستان از شمال به حیاط مرکزی از جنوب به کوچه، از غرب به شبستان اصلی و از شرق که اصلی‌ترین بخش از بناست، با سه دالان به فضای کوچکی متصل می‌شود که بر طبق نوشته سیاحان مسجد کوچک^(۱) نام داشته است.

صنایع‌الدوله گزارش بخشهای فوق را در سفرنامه خود چنین نگاشته است: «... کف قسمت شرقی این مسجد بقدر یکذرع بلندتر است و زیر آن آب انباری باشد و راه پله از خارج و میان شارع

مسجد جامع شاهرود یکی از قدیمترین بینه تاریخی بر جای مانده این شهر است که در طول تاریخ به مردم پایگاه رفیعی داشته است. تا پیش از سال ۱۳۷۵ هجری قمری مسجیدی در خصوص تاریخ ساخت بنا موجود نبود اما کشف تاریخ جدیدی را جهت شناخت دقیقتر این مکان تاریخی مستند داد. مسجد جامع شاهرود که در کوی کهنین از محلهای کوچک و قدیمی شهر قرار گرفته، در کوچه‌ای به همین نام واقع است و از سوی جنوب به محله قلعه سنگ، از شرق به قلعه ولی‌آباد، از غرب به دامنه کوفه قله، از جنوب غربی به بازار بیدآباد و از شمال به باغ چهل دختران که از فضاهای روستا قدیمی است، محدود می‌گردد.

سیاحانی که در طول تاریخ از این مسیر گذر کرده‌اند غالباً نامی از مسجد جامع در آثار خود برده‌اند. صنایع‌الدوله در شمار مسافرائی است که بیشترین توصیف از این بنا و فضاهای داخلی آن داشته است. وی در این باره می‌نویسد: «مسجد جامع شاهرود در خارج بنا است و در میان باغات و بساتین که در سطح جبل شمالی است واقع شده (و) آن بنائی معتبر است و هر چند از خشت خام برآمده‌اند در اهمیت، کمتر از ابنیه آجری نیست. شکلاً مربع مستطیل است باشد. هشت اسطوانه ضخیمه در وسط است که چهار از آن بساتین و چهار دیگر روی آنها طاقهای محکم زده‌اند. اما چندان بلند ندارد. قسمت مقابل محراب را پوششی از تیر و تخته است. این اختلاف سقف و طاق کاری جدید است. سابقاً هم طاق، کاشی‌کاری بوده و در یکهزار و دوویست و چهل و دو اهالی شاهرود... مسجد را مرمت کرده‌اند. این یک قسمت بطور مخالف پوشانیده شده است...»^(۲)



است و روی این قسمت شرقی هم با تیرهای منته به ناخته پوشیده شده در وسط یک قطار ستونهای تیرپست و روی تیرها چند حمل بزرگ بر هم جفت کرده‌اند ساخته‌اند و سر تیرهایی سقف را روی آنها قرار داده‌اند و تقریباً بطور تسنیم پوشانیده و می‌توان آنجا را مسجد علیحده محسوب داشت چه مسجدی مخصوص و مداخل ممتاز و وضع جداگانه دارد قبله هر دو مسجد این جامع راست و درست است و در سمت شمالی مسجد بزرگ ارسینها کار گذارده‌اند و از پشت ارسینها صحن مربعی شرفایی می‌باشد طول مسجد بزرگ سی و پنج قدم طول مسجد شرقی بیست و پنج قدم و عرض آن پانزده قدم است.^(۲)

چنانچه از اشارات فوق بر می‌آید مسجد کوچک دیگری نیز در مجاورت مسجد اصلی قرار داشته است گو اینکه در حال حاضر هیچ نشانی از برپایی آن نمی‌توان یافت. لیکن در جریان پی گردی سال ۱۳۷۵ به سرپرستی آقایان آژنده پی‌های شالوده فروریخته‌ای، از نوع خشت با ملات گل، محدود شده شرقی مسجد نمایان شد، که با توجه به متون تاریخی و نیز چگونگی قرارگیری لنگه بدست آمده که در راستای لنگه‌های ایوان شرقی است، می‌توان آن را به مسجد فوق‌الاشعار منسوب ساخت، گفتار معمرین محلی مبنی بر وجود چنین بدستی در تاریخ مسجد نیز اثباتی بر این مدعا است.

روند بازیابی کتیبه مسجد جامع

در سال ۱۳۷۵ مجموعه عملیاتی جهت بازگردانی از نقاط مختلف مسجد به عمل آمد بخشی از این عملیات به خاکبرداری از پشت

بام گنبدهای شرقی معطوف شد که بواسطه شکافهای خطرناک ناشی از نفوذ آب و رطوبت، افزایش سریع فرسایش و تخریب خشتها را در این حدود موجب شده بود. بخش دیگر اقدامات ضلع جنوبی شبستان را در برگرفت که در جریان خاکبرداری و سپس کنکاش در لابلای تودهای از نخاله‌های عملیات ساختمانی سابق، به قطعات با ارزش گچ گچبری از داخل گنبد از ابعاد ۵cm×۵cm گرفته تا قطعات بعضاً ۲۰cm×۱۰cm برخورد شد که حاصل این کشف، برگی تازه از هویت مسجد جامع شاهرود را ببار آورد. (تصویرهای شماره ۱ و ۲) دویست و ده قطعه قابل شمارش بدست آمده از خاکبرداری سه گنبد اصلی، سه گنبد راهرو ورودی به فضای باز مجاور مسجد که به کارگاه مرمت انتقال یافت و پس از اقدامات و بررسی‌های لازم سرانجام در بهار سال ۱۳۷۷ با اتصال صد قطعه آن، فرم اصلی کتیبه‌ای گچبری پدیدار گشت. کتیبه بدست آمده مزین به آیه ۱۸ و بخشهایی از آیه ۱۹ سوره توبه با خط خوش ریحان بود که اطراف آن را نقوش زیبایی هندسی و گل و بوته فرا گرفته بود. متن حاصله بصورت زیر مدون گردیده است.

«بسم الله الرحمن الرحيم انما يعمر مساجد الله من امن بالله و بيومه الاخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة ولم یخشی الا الله فعسی یتوکلون یكونون من المهدتین اجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم آخر و جاهد و فی سبیل الله» تصویر ۳ و ۴»

بدیهی است که تکمیل آیات محتاج تداوم بررسی است. اما آنچه که بطور قطع می‌توان اظهار داشت اینست که اثر بدست آمده کتیبه‌ای است به عرض ۴۰cm با حاشیه ساده ۲ سانتیمتری در



تصویر ۲. مکان به دست آمدن گچبریها



تصویر ۱. مکان بدست آمدن گچ بری‌ها



تصویر ۳

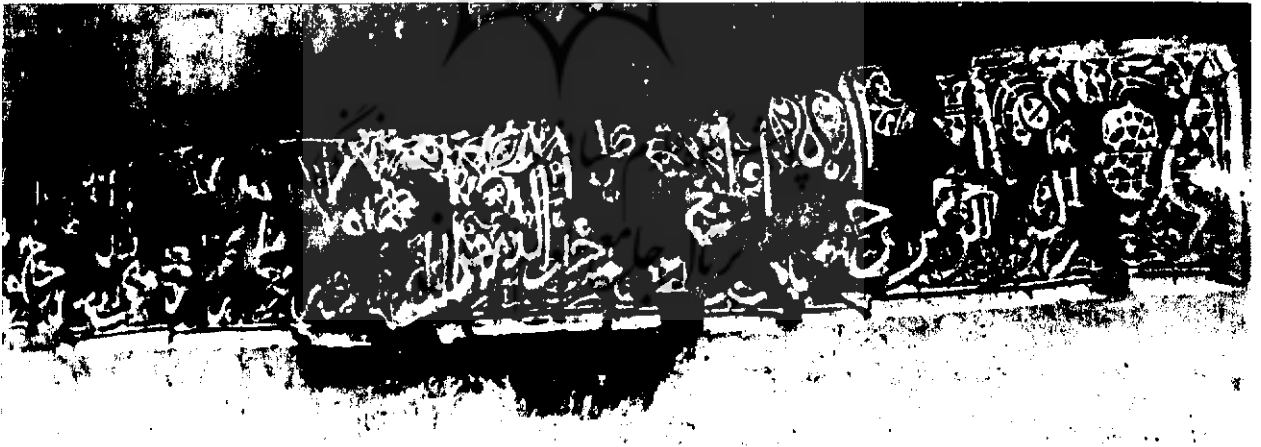
تائید می‌کند، خط آن بنا به گفته اساتید فن از نوع ریحان است (تصویر ۶) و نوع تزئینات گل و بوته‌ای آن تشابه عمیق کتیبه مکشوفه را با گچبری محراب مسجد بایزید و ایوان اولجایتو، در مجموعه بسطام نشان می‌دهد. کتیبه محراب مسجد جامع (تصویرهای شماره ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰) گو اینکه گل و بوته‌های کتیبه بدست آمده بصورت قوی‌تر و پرکارتری اجرا شده است. کتیبه بدست آمده از نظر جنس ترکیبی از گچ و خاکستر است که نمونه‌های مشابه آن را می‌توان در گچبری دوره ایلخانی بسطام مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری آنالیز فضاها

در گذشته در محل ورودی زنانه شبستان شرقی مسجد جامع،

بالا و پائین که همراه یک خط ممتد، قریب یک سانتیمتر از متن جدا شده است و در مجموع حاشیه‌ای به پهنای ۴cm دور تا دور کتیبه را در بر گرفته است. به قرار معلوم کتیبه طرح دیگری نیز داشته است دو حاشیه ۲ سانتیمتری در دو سو و یک حاشیه با نقش هندسی در وسط که خطوط هندسی آن همدیگر را قطع نموده و در محل تلاقی یک گل چهار پر را شکل می‌دهد از این جمله است. آنچه تاکنون از حاشیه دوم بدست آمده دو قطعه، $8 \times 8 \text{ cm}$ و $5 \times 8 \text{ cm}$ (تصویر شماره ۵) است که همراه با اصل کتیبه تشکیل زوایه‌ای را می‌دهد که نشاندهنده قرارگیری اصل کتیبه در قسمت پنج محراب است که حاشیه آن بر روی دیوار جانبی محراب قرار می‌گرفته است.

فرم و نوع خط و گچبری این کتیبه تعلق آن را به دوره ایلخانی



تصویر ۴

محرابی قرار داشته که تخریب و به وسیله بیت حاضر مبطل شده است، با احتساب این محراب مفقود می‌گردد آن گفت که مسجد دارای چهار محراب بوده است:

۱- محراب شبستان اصلی ۲- محراب شبستان شرقی ۳- محرابی که تا سال ۱۳۵۱ برپا بوده و در تصویر (۱۱) اکنون جای خود را به طاق نمایی بخشیده ۴- محراب چهارم (محراب مورد بحث) واقع در بدنه جنوبی ضلع شرقی مسجد بوده که دیواره آن از میان رفته است. این همان محراب است که صنایع‌الدوله در بازدید خود به سال ۱۳۰۳ هـ ق از آن به عنوان محراب مسجد کوچک یاد کرده در وصف آن گفته (۱۲) بی ممتاز مخصوص دارد) که همین گچبری‌ها و چه تمایز آن با محراب دیگر مسجد بوده است چه بر روی محراب ایوان استایی آن هیچگونه آثار و شواهدی از تغییر و تحول در شکل و نام مشهود نیست و یک محراب ساده بدون نقش است. مکان محراب چهارم در پلان شماره یک مشخص گردیده است.

با استناد به مشاهدات صنایع‌الدوله و نظر می‌رسد این مسجد در زمان ساخت اولیه دو محراب داشته و سابقه پس از سفر ناصرالدینشاه در سال ۱۳۰۳ هـ ق با گردیده است (منظور محراب شماره دو و سه است) با توجه به اینکه مسلمانان به پیروی از سنتهای پسندیده اسلامی همیشه حرمت مسجد را پاس می‌دارند و حتی از انتقال مصالحی که در اثر گذشت زمان فرو ریخته خودداری می‌ورزند سبک و اسلوب اجرا شده در این کتیبه ثابت می‌کند که سند مذکور به مسجد واقع عصر ایلخانی تعلق دارد و جایگاه آن دیواره جنوبی محراب ضلع شرقی ساختمان است.

تخریب محراب که نظر به آثار و تخریبی (تصویر ۵) در قسمتی از کتیبه و صالی شده احتمالاً به اثر آتش سوزی و از بین رفتن پوشش چوبی سقف صورت گرفته بود پیشینه این مسجد را در هاله‌ای از تردید فرو برد. برخی از محققین تاکنون قدمت مسجد را به عصر تیموری نسبت می‌دادند حال آنکه از راه مقایسه و تطبیق کتیبه حاضر با آثار مشابه ایلخانی خاصه کتیبه‌های ایلخانی مجموعه تاریخی بسطام تعلق آن به دوره ایلخانی مسجل می‌گردد.

در خاتمه متذکر می‌شود از این کتیبه اطلاعات عمده دیگری نیز شناسایی شده که می‌توان بر آن انداز به معادل بخش حاضر متصور شد، امید است با تداوم عملیات تکمیل‌رسانی گنبد، سایر قسمت‌های آن شناسایی و بخش مهمی از شناسنامه این بنای



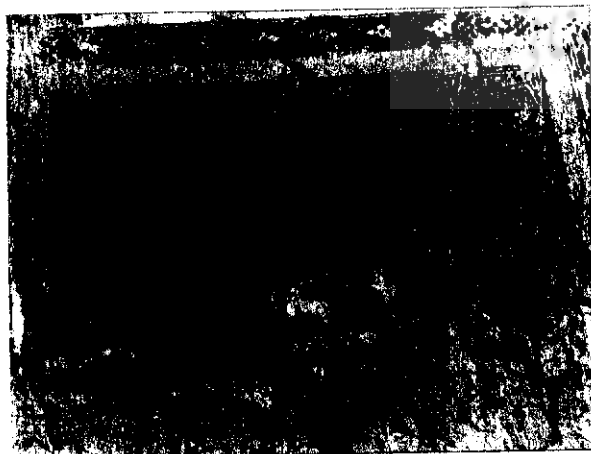
تصویر (۵) الف- حاشیه دوم گچ بری که با حاشیه گچ بری مسجد جامع فرمند

تاریخی روشن گردد.

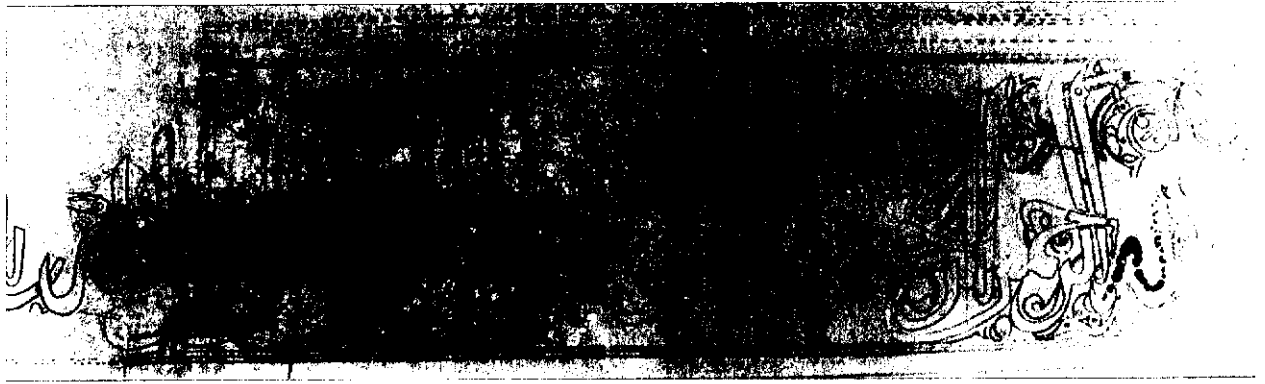
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي وقف على سراير المكنونات واطلع على ضمير المخلوقات والشكر للقا والذى يبرز دلائل وجوب وجوده وقدرته في عالم الانفس والافاق.

والصلوة والسلام على سيدنا النبي الذي خلق بنوره لارض و نساء المبعوث لارشاد البرايا والوراء الى اكمل الشرايع عند ذوالشيء والمصدق لسبحان الذي اسرى اعنى محمد اشرف المرسلين نقائل كنت نبيا والادم بين الماء والطين و على و لية و وصية صاحب النواء هو الذي قال الحق المصطفى على منى بمنزلة هرون من موسى و على اله الطيبين و اولاد المعصومين الذين تلالا بهم انوار الحق السبين لى يوم



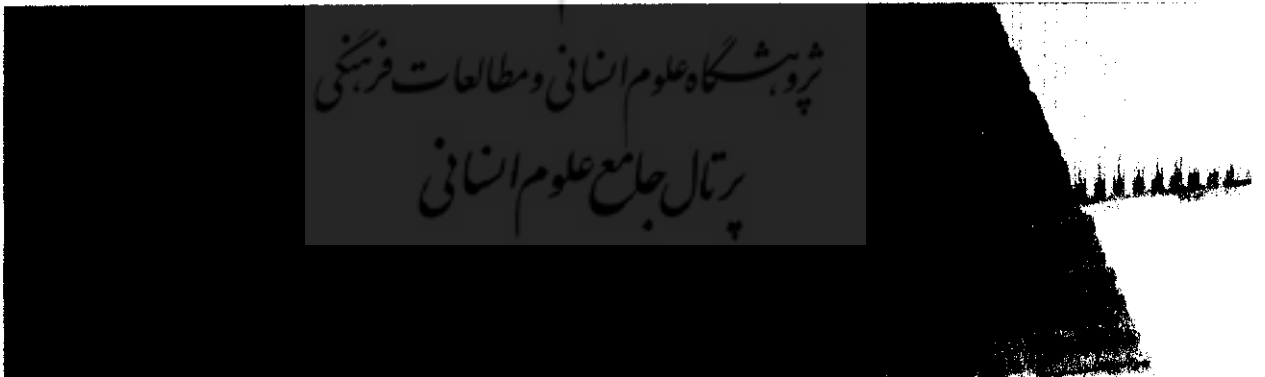
تصویر (۵) ب- گچ بری مسجد جامع فرمند



تصویر ۶

شاهرواد صانها الله عن جميع افات في يوم الدين كه رنگ قلوب انسان بصيفل مواظ هدايت بنیان حافظ شريعت مصطفوی و مروج منهاج مرتضوی اعنی وحيد الدوران و مجتهد الزمان الطهر الطاهر و الدر بالفاخر زيب المساجد و المنابر اعنی مولانا حاجي ملا محمد باقر ادام الله ظل ظليه على نارک والا نام بحق محمد سيد الانام و اولاده الاکرام مصفی گردیده توفيق رفيق ایشان گردید در حال صحت جسم و ثبات عقل و سداد رأی هر یک به قدر وسع چیزی را که مذبور در تحت حاشی خواهد بود به جهت مسجد جامع شاهرواد وقف نمودند به این نهج که منافع جميع اعيان موقوفه را سه سهم نموده یک سهم را در اخراجات مسجد و آب انبار در تحت مسجد مزبور اگر چنانچه محتاج باخراجات بشود و اگر چنانچه اخراجات خود مسجد و آب انبار را ضرور نشود در حجرات متعلقه به مسجد و آب انبار خارج مسجد اخراجات نمایند و اگر چنانچه هیچ یک محتاج به اخراجات نباشد باید که این سهم را متولی قبض نماید () احتیاج و از ایشان سهم مذکور تنخواه چهار من روغن به جهت سوخت مسجد موضوع نمایند و

شدين (الابعد) بر ضمائر خورشيد نظاير ادب ارباب دانش و اهالی بیش ظاهر و مبرهنست (که حاوی) ذی حیاتی که قدم در انجمن یخروج نحی من المیت گذاشت لابد و لاعلاج شراب ناگوار کل نفس ذائقه نموت بیایدش نوشید و هر موجدی از موجودات که مخلع به خلعت وجود گردید خیاط قضا رخت کل من علیها فان بساحت قامتش برید و از آنجا که مضمون کلام بلاغت مشحون حضرت علام که ان الابرار نفی نعيم همواره در درون ارباب الباب (مکنی است) و همیشه از مفاد آیه آن الفجار نفی حجیم قلوب عاقلان ذی فنون دجله خون است و ندای کل شی هالک الا وجهه و سمع هر ذی خردی مسموع گردیده پس به مضمون کلام در نظام احمل الزاد فان السفر بعید بعید حمل زبور زحله بجهت طی این منازل بپردازیم و اهمه لازم و مفنم خواهد بود هر..... ظاهر الباب ظاهر و مبرهنست.... زادی که باعث.....منازل پر ز خوف خطر گردد متصور نیست مگر به ارتکاب (قربان) من التدورات و الصدقات و من الصوم و الصلوة و من الاقاف و الخیرات لهذا جمعی از مومنین صلاحیت کیش و مجتهدین عاقبت اندیش قصبه



تصویر ۷



(واگذار نمودند و بعد او بارشد و اعلم اولاد او بطناً بعد بطن و نسل بعد نسل و صیغه وقف مشتمل علی الایجاب و القبول كما قرر فی شریعة الرسول (سنت) جریان پذیرفت فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمة علی الذین بیدلونه و کان ذلك تحریرافی تاریخ دوم شهر ذالقعده الحرام من شهر سنة ۱۲۴۶

پی نوشت

- ۱- صنیع الدوله، محمد حسن خان: مطبخ الشمس، تیمور برهان لیمو دهی، جلد سوم، چاپ اول، چاپخانه آبان، انتشارات فرهنگسرا، صفحات ۱۰۴۲-۱۰۴۱.
- ۲- همان کتاب، ص ۱۰۴۲.
- ۳- صحت گفته‌های صنیع الدوله در تعمیرات اخیر قسمتی از شبستان شرقی پدیدار گشت و نشان داد که سطح این قسمت از شبستان یکذرع پائین تر از سطوح دیگر بوده است.
- ۴- همان کتاب، ص ۱۰۴۲.
- ۵- با نمونه مشابه آن در مسجد جامع فرمند، دیواره یکی از تویزه‌های ضلع غربی مسجد، عکس شماره (۵) ب
- ۶- منظور سقف جذیدی که بعد از سال ۱۲۴۲ اهالی بر روی آن زده‌اند.
- ۷- رک، شریعت زاده، علی اصغر: فرهنگ مردم شاهرود، جلد یک و دو

دو سهم دیگر را بخادمی دهند که متوجه خدمات مسجد و متعلقات از آب انبار و حجرات بشود اسامی واقفین مع اعیان موقوفه عالی شأن معلی مکان صادق خان آقا خلف رحمت غفران پناه محمد آقا من قاجار همشیره اعیانی او وهی المسماء پیری جان خانم مقدار نیم دانگ آب شرب و مجرای قنات جاریه رود مزار من روزقه پنجشنبه عزت اطو المحمد فوج علی مع سایرین مقدار شرب و مجرای یک دانگ آب از قنات جاریه رود مزار من روزقه سه شنبه صلاحیت و تقوی (شعاع) به کربلایی ابراهیم قاسم () من جمله یک در دکان بقالی که واقع است در سوق شاهرود محدود به حدود اربعه ظهر.

عالیحضرت خیر الحاج و المعتمرن حاج رحیم خلف مرحوم کربلایی علی محمد جلالی شاهرودی نیم بز آب از چشمه جاریه جلالی که اخراجات و دیوانی آن موضوعست. عالیحضرت کشف الحاج حسین کفاش باغزندانی الاصل و شاهرودی المسکن مقدار شرب و مجرای یک دانگ آب از قنات جاریه رود مزار من روزقه جمعه همشیره حاج حسین و هی المسماء به کربلای سکینه بانو مقدار شرب و مجرای نیم دانگ آب از قنات جاریه رود مزار من روزقه چهارشنبه و تولیت اعیان موقوفه را بسرکار عالیجناب معلی الالقاب قدس الانتساب زبده لمدقین و اسوة المحققین اعنی و مجتهد زمان و وحید الدوران اعنی خیر الحاج و المعتمرن جناب حاج ملامحمد باقر ادام الله ایام)

